

سیری در واقعه کشف حجاب در مراغه

منصور پور مؤذن^۱

مقدمه

لباس و طرز پوشش افراد یک جامعه، نقش مهمی در تشخیص فرهنگ ملی و دیدگاه‌های مذهبی آن جامعه دارد و همواره در طول تاریخ عامل طبقه‌بندی و شناخت شخصیت افراد بوده است؛ لذا تغییر آن کم و بیش به منزله تغییر هویت، ملیت و مذهب محسوب می‌شود. آمیختگی مذهب و فرهنگ با نوع پوشش مردم ایران و به خصوص زنان باعث شد که در دوره قاجار با وجود تلاش چندی از وابستگان به غرب برای رواج بی‌حجابی و بی‌بند و باری در ایران، این تلاش‌ها به جایی نرسد.

با کودتای سیاه انگلیس در ایران و به قدرت رساندن رضاخان قزاق، بی‌اعتنایی و مقابله با نمادها، ارزش‌ها، سنت‌های دینی و ملی و چاپ و انتشار مطالب در ضدیت با این ارزش‌ها در رسانه‌های جمعی آن دوره نظیر مطبوعات، کتاب‌ها و حتی نظام‌های آموزشی شدت بیشتری به خود گرفت و وارد فضای جدیدی شد. یکی از مهم‌ترین مأموریت‌هایی که اربابان

۱. دکترای تاریخ ایران (ایران پس از اسلام)





رضاخان و در رأس آن انگلستان به وی داده بودند قضیه کشف حجاب و تغییر لباس مردم ایران از لباس‌های ملی و سنتی که عموماً توسط صنعت کاران ایران در داخل تولید می‌شد و تبدیل کشور به بازار مصرف البسه فرنگی که عموماً توسط انگلیسی‌ها در هند تولید می‌شد، بود. سیاست‌های گام به گام دولت و ترفندهای متنوع مجریان این امر برای پیشگیری از مخالفت‌های مردم حتی با مقدس کردن کفش و کلاه و سایر داستان‌بافی‌های ابلهانه در نهایت ناموفق بود و با اعتراض گسترده مردم همراه گشت و در نتیجه رژیم وابسته پهلوی را به سمت اتخاذ روش‌های سرکوبگرایانه، کشت و کشتار مردم و شیوه‌های خشن پلیسی سوق داد. مراغه نیز به عنوان یکی از شهرهای مذهبی کشور از این امر مستثنی نبود. با وجود اینکه در قضیه کشف حجاب، تحقیقات بسیاری انجام شده است ولی کمتر با استناد به مدارک موجود و مصاحبه‌های شفاهی با شاهدان عینی به این امر پرداخته شده است. در این مقاله سعی شده که بررسی واقعه کشف حجاب در مراغه با توجه به اسناد موجود و شاهدان عینی صورت پذیرد.

نظری به وضعیت حجاب در ایران تا دستور کشف حجاب در دوره پهلوی اول

با توجه به اسناد موجود در دوره حکومت صفویه، حجاب زن ایرانی همان لباس‌های بلند سنتی و ملی بود که در ادوار مختلف تاریخی به عنوان پوشش استفاده می‌شد. بر اساس خاطرات برادران شریلی حتی در دوران صفوی نیز زنان صورت و اندام خود را با چادر و روبند پوشانده و از شلوار و چاقچور استفاده می‌کردند.^۱

با به قدرت رسیدن سلسله قاجار و افزایش ارتباط با کشورهای غربی و سفرهای متعدد بعضی از شاهان قاجار به اروپا و تأثیری که این مسافرت‌ها در خلیقات درباریان می‌گذاشت دربار قاجار به سرعت متأثر از فرهنگ ظاهری و سطحی غرب گردید و بالطبع وضعیت پوشش زنان و مردان دربار و کارگزاران دیوانسالاری این دوره نیز از این وضعیت مصون نبود. تغییر وضعیت ظاهری زنان ابتدا از سوی تعدادی از شرق‌شناسان و میسیونرهای مسیحی و یهودی و درباریان غرب پرست رژیم قاجاریه آغاز گردید و آنها همواره سعی بر این داشتند که حجاب را به عنوان عامل عقب‌ماندگی زنان در جامعه ایران معرفی کنند.

با آغاز جنبش مشروطه و ایجاد تحول در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران، تحولات مربوط به بُعد جایگاه زن در این دوره وارد مرحله جدیدی گردید. به عنوان مثال، جلسات گردهمایی زنان تشکیل شد و هدف آن، ترغیب بیشتر این قشر عظیم جامعه جهت شرکت

۱. حبیب شیری آذر، والیان آذربایجان (از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰)، تهران، خجسته، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵.



در مجالس، سخنرانی‌ها و برنامه‌های سیاسی‌ای بود که عموماً به تقلید از فرنگی‌ها برگزار می‌شد. به تدریج جمعیت‌های مختلف زنان از جمله «شرکت خواتین اصفهان» با مدیریت خانم دولت‌آبادی و جمعیت موسوم به «پیک سعادت» در رشت تشکیل گردید و در این زمینه چندین مجله که منحصراً در ارتباط با زنان بود منتشر شد که می‌توان به عنوان مثال به مجلات *جهان زنان* با مدیریت فخر آفاق پارسا و *عالم نسوان* با مدیریت ربابه نوابه صفوی اشاره کرد. این تلاش‌ها در جهت رواج بی‌حجابی و بی‌بند و باری زنان همچنان ادامه داشت و پس از وقوع کودتای رضاخان، ادامه این روند سرعت بیشتری به خود گرفت.

از آنجایی که کارگزاران دولت دست‌نشانده رضاخان مأموریت داشتند اگر شد با استفاده از ابزار هنر سینما و تئاتر، و اگر نشد با زور سرنیزه تغییرات سطحی و ظاهری فرهنگی در ایران ایجاد کنند از همان سال‌های اولیه، دولت کودتا از همه امکانات دولتی و ابزارهای قدرت برای تحقق هدف خود استفاده کرد. به عنوان مثال اولین سالن رسمی سینما در ایران در سال ۱۳۰۵ در تهران ساخته شد و اولین فیلم صامت ایرانی به نام «آبی و رابی» در سال ۱۳۰۹، اولین فیلم ناطق به نام «دختر لر» در سال ۱۳۱۲- که هدفش عادی‌سازی جریان بی‌حجابی و روابط زن و مرد در جامعه بود- و اولین فیلم دوبله فارسی به نام «دختر فراری» توسط اسماعیل کوشان در سال ۱۳۲۵ در سینما به نمایش درآمد. آنچه قابل توجه است این که عموماً این فیلم‌ها در مورد ساختارشکنی عفت و شرافت زن ایرانی بود.

یکی از نمایش‌هایی که با همین هدف در هفدهم تیرماه ۱۳۰۵ از سوی «جمعیت تمدن نسوان» اجرا شد، تئاتری با عنوان «تمدن نسوان» بود که دست‌اندرکاران آن قصد داشتند تا در پشت پرده این گونه‌نمایش‌ها، حضور زنان را در مجالس عمومی، عادی جلوه داده و آنان را برای بی‌حجابی ترغیب کنند. انتشار اخبار اجرای این نمایش در روزنامه‌ها باعث شد که علمای بزرگوار و چون شهید مدرس، سید محمد بهبهانی و میرزا هاشم آشتیانی، نامه اعتراض آمیزی خطاب به مستوفی‌الممالک (نخست‌وزیر وقت) نوشته و خواستار جلوگیری از پخش نمایش شوند.^۱ متعاقب این اقدامات، مدارس تأسیس گردید تا نحوه آزاد زیستن و بی‌قید و بند بودن را به دختران تعلیم دهد و اقدامات دیگر که مسلماً در برخی از مردان و زنان بی‌ثبات در اراده و اعتقادات مذهبی مؤثر واقع می‌شد.

در نتیجه باید اذعان کرد که کشف حجاب در ایران از هفدهم دی‌ماه ۱۳۱۴ آغاز نگردید، بلکه در این تاریخ رسماً از سوی حکومت به عنوان یک سیاست اعلام شد. زمینه و ریشه این جریان سال‌ها قبل در خارج از مرزهای ایران بسته شده بود که ابتدا به ایجاد آمادگی فکری

۱. آذربایجان در اوایل دوره پهلوی (گزارش محرمانه سال ۱۹۲۷ به ارتش ترکیه)، ترجمه توحید ملک‌زاده، تبریز، اختر، ۱۳۸۸، ص ۸۵.

و زمینه ذهنی در میان حداقل قشر خاصی از زنان پرداخته شد.

بعد از این پیش‌زمینه‌ها بود که کارگزاران انگلوفیل دربار رضاخان موفق شدند نسبت به تنظیم برنامه‌های ضد مذهبی خود از طریق کشف حجاب اقدام نمایند؛ بنابراین برای اعلام رسمی این جریان برنامه‌هایی ترتیب داده شد تا بالاخره روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ فرارسید. هشت سال پیش از آن، در چنین ماهی تصمیم گرفته شده بود که نخست ذهنیت مانع اصلی و عمده در خصوص حضور زن در اجتماع، یعنی مرد برای این دگرگونی آماده شود؛ لذا با برنامه اتحاد شکل لباس مردها به اروپایی شدن فراخوانده شده بودند. بعد از اجرای این برنامه، راه برای عملیاتی شدن دیگر برنامه‌های زمینه‌ساز فراهم شد.

برگزاری دومین کنگره زنان شرق در ایران در سال ۱۳۱۱ خود دلیل دیگری بر اجرای کشف حجاب و ضرورت آن در ایران بود. اگرچه در این کنگره از کشف حجاب سخنی به میان نیامد، اما جو حاکم بر این کنفرانس حکایت از این مسئله می‌کرد. عده‌ای به دروغ دیدار رضاخان از ترکیه در سال ۱۳۱۳ و دیدارش از مراکز علمی و صنعتی و مشاهده آراستگی این کشور را عامل مهمی در ذهن وی جهت تسریع در اعلام رسمی کشف حجاب القامی کنند و می‌گویند یکی از عوامل مهم پیشرفت ترکیه در آن دوره، کشف حجاب بانوان بود.^۱ اما هر کسی درک اندکی از تاریخ داشته باشد می‌داند که اولاً رضاخان قزاقی بود که جز زبان شلاق، اسلحه و سرنیزه زبان دیگری بلد نبود؛ ثانیاً بی‌سوادتر از آن بود که درکی از معنای تجدد و ترقی داشته باشد؛ چه برسد به آن که اندیشه منسجمی پیرامون آن ارایه نماید. اغلب منابع رضاخان را فردی بی‌سواد، عیاش، دائم‌الخمر، قمارباز و فاسد معرفی کرده‌اند که از بداقبالی ملت بافرهنگ ایران در حساس‌ترین مقطع تاریخی این سرزمین، دشمنان ایران به قول سید اسدالله رسا - یکی از روزنامه‌نگاران مبارز دوره پهلوی - این «جلنبرلات» را خضر نجات ایران معرفی کردند و بلای جان استقلال و آزادی کشور ساختند.^۲

هوشنگ نهاوندی یکی از وزرای دوره پهلوی دوم می‌نویسد:

رضاخان در حد خواندن و نوشتن سواد داشت. البته در سطح نازل. دست‌نویس‌هایی که از او بجا مانده همه به خطی ساده و تقریباً کودکانه و مملو از غلط‌های املائی است. رضا هرگز مرد با فرهنگی نشد...^۳

۱. محمد رضایی، «کشف حجاب در آذربایجان»، مطالعات تاریخی، تابستان ۱۳۸۵، ش ۱۳، ص ۱۵۵.

۲. مظفر نامدار، چند قطره خون برای آزادی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۱، ص ۳۶۸.

۳. هوشنگ نهاوندی، محمدرضا پهلوی آخرین شاهنشاه، ترجمه دادمهر، شرکت کتاب، لوس آنجلس، ۱۳۹۲، ص ۱۹.

کشف حجاب در مراغه

بررسی اسناد و گزارش‌های به جا مانده از آن دوران نشان می‌دهد که میزان و چگونگی پیشبرد طرح کشف حجاب در مراغه با توجه به بافت اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و موقعیت جغرافیایی و اقلیمی و همچنین نحوه فعالیت نهادها و سازمان‌های ذیربط از قبیل انجمن‌ها و سازمان‌های زنان به یک باره میسر نگردید و دست‌خوش تحولات بسیار شد. بدین صورت که از یک سو اقدامات سازمان‌یافته از سوی فرماندار مراغه و فرماندهان نظامی و انتظامی و رؤسای ادارات در مورد زمینه‌سازی برای اجرای کشف حجاب و از سوی دیگر واکنش علما و روحانیان، معتمدین و بازاریان و توده مردم برای مقابله با این امر، مراغه را آستان حوادث بسیار می‌نمود.

اقدامات تبلیغی دولت

در آستانه کشف حجاب در مراغه یک سری اقداماتی از سوی مستوفی فرماندار مراغه جهت آمادگی اذهان مردم صورت گرفت. سیاست وی، تلاش در جهت زشت‌نشان دادن چهره حجاب و معرفی بی‌حجابی به عنوان یکی از مظاهر تمدن و ترقی بود. به موجب سندی که به تاریخ ۲۹ مردادماه ۱۳۱۴ موجود است، به هنگام بازدید وزیر فرهنگ و معارف از مراغه، اشعاری توسط خانم نیر سینا سروده شده بود، که توسط دانش‌آموزان دختر و پسر در مراسم استقبال از وی خوانده شد. نیر سینا در این ارتباط طی درخواستی به اداره تعلیمات ولایات چنین می‌نویسد:

مقام ریاست اداره تعلیمات ولایات

سروده‌هایی که اثر قریحه اینجانب نیر سینا می‌باشد و در مراغه محصلین و محصلات آنجا آموخته و در حین تشریف‌فرمایی جناب وزیر خوانده‌اند به انضمام نت سرودها تسلیم و تمنا دارد در صورت مقتضی به مقام وزارت متبوعه تقدیم دارید که هر گاه مورد قبول افتد به تصمیم و شیوع آن در مدارس اناث و ذکور امر صادر گردد.

۱۴/۵/۲۹

نیر سینا

قسمتی از سروده‌های نیر سینا به شرح ذیل بود:

ترقی نسوان

روشن شد تا که روز ایران شد رخشان ماه بخت نسوان شد





هان ای دختران نیک اختر طی شد دور نادانی دیگر
 این زمان بیاید زان حذر نمود
 هر سو ببینی دختران فرزانه این زمان رونق بخش آب و خاک مازینت جهان
 دختران با دانش و هنر خادم وطن، خادم بشر
 چنین اقداماتی توسط فرمانداری و اداره فرهنگ مراغه اجرا می‌شد تا اذهان مردم نسبت
 به قبح عمل از بین برود.

تشکیل کانون بانوان مراغه

در ارتباط با تشکیل کانون بانوان مراغه در کتاب والیان آذربایجان چنین نوشته شده است:
 در نتیجه توجه آقای مستوفی فرماندار مراغه و بنا به دعوتی که از طرف
 خانم ایشان از عده‌ای از بانوان به عمل آمده بود، مجلس مرکب از کارمندان
 فرهنگ و خانم‌های محترم در عمارتی که قبلاً به منظور تأسیس کانون
 تعیین شده بود، با حضور آقای فرماندار و آقای فریدی رئیس فرهنگ
 تشکیل گردید. آقای فرماندار در نطق خود در ارتباط با کانون بانوان،
 راهنمایی‌های لازم را به اعضای کانون و سایر خانم‌ها در مورد تجدید و اصلاح
 و ضرورت توجه به مقتضیات عصر حاضر، نمودند. بانوان ذیل با اکثریت
 آراء به سمت‌های پایین انتخاب گردیدند:

۱. بانو نسرین مستوفی (خانم آقای فرماندار) رئیس کانون
 ۲. بانو اختر فریدی (خانم رئیس فرهنگ) نایب رئیس
 ۳. عزیزالسادات صدیق یحیوی، مدیره دبستان دولتی صدر، خزانه‌دار
 ۴. خانم شمس‌السادات صدیق یحیوی، آموزگار کلاس پنجم صدر،
- منشی
 قرار شد بانوان هر هفته روزهای دوشنبه مرتباً تشکیل جلسه داده و
 مشغول انجام وظیفه باشند.^۱

نقش ارامنه در زمینه کشف حجاب در مراغه

در دوره پهلوی اول حدود ۲۵۰۰ نفر ارمنی در مراغه زندگی می‌کردند. جمعیت ارامنه
 همواره دارای روابطی مسالمت‌آمیز با مسلمانان در مراغه بودند و با توجه به اینکه نقش

۱. حبیب شیری آذر، همان.

مهمی در فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی داشتند لذا در تحولات سیاسی و فرهنگی مراغه نیز بدون تأثیر نبودند. در زمینه کشف حجاب نیز با توجه به اینکه تأسیس اولین مدرسه ارامنه توسط دو تن از ارامنه مراغه با نام‌های ملکم خالاقیان و ها کوپ خاچاطوریان به سال ۱۲۷۷ شمسی برمی‌گردد لذا در زمان کشف حجاب نیز ارامنه مراغه و دانش آموزان دختر ارامنه از این امر استقبال کردند.^۱

اقدامات بازدارنده و انتظامی دولت

محدودیت‌هایی نظیر ممانعت از رفتن زنان باحجاب به حمام‌ها و نظارت دقیق بر اجرای این قانون، گماردن پاسبان‌ها در مراکز عبور و مرور شهر مخصوصاً بازار جهت اخطار به زنان باحجاب و راه ندادن زنان باحجاب به ادارات دولتی از جمله مواردی بود که در مراغه همچون سایر شهرها اجرا می‌شد.

واکنش مردم مراغه در قبال اجرای کشف حجاب

اعمال قانون کشف حجاب در شهر مذهبی و حسینی مراغه به یک باره میسر نمی‌گردید و پیشرفت در آن بسیار کند بود. پای‌بندی مردم مراغه به مذهب باعث تبدیل آن به یکی از مراکز مهم ضد قانون کشف حجاب در کشور شد و اجرای این طرح با مشکل روبه‌رو گردید.

پخش شب‌نامه علیه کشف حجاب

اولین مبارزه علیه اجرای این قانون با پخش شب‌نامه و نصب آن در دیوارها آغاز شد. جوانان متعصب مراغه با هدایت علما و بزرگان شهر اقدام به نوشتن شب‌نامه و تهدید فرماندار، رؤسای ادارات و مأموران اجرای دستور و عاملین رواج بی‌حجابی کردند و شبانه، نوشته‌ها را در سراسر شهر پخش کرده و به دیوارها نصب نمودند. نامه‌ای در این ارتباط به مضمون زیر به حکومت مراغه ارسال شد. متن نامه به شرح زیر است:

نمره وزارت داخله

۴/۱۳ رمز شود

تلگراف به مراغه ایالت شرقی آذربایجان

حکومت راپورت محرمانه حاکی است که صبح ۱۵ ماه جاری، شب‌نامه بی‌امضائی مبنی بر تحریک کشف حجاب و تهدید عاملین آن به دیوارها زده

۱. آذربایجان در اوایل دوره پهلوی، همان.





شده بود. از طرف نظمی، فوری اعلان‌ها کنده شده، تفصیل چیست و ناشرین آنها کی‌ها بوده‌اند؟ لازم است دقیقاً تحقیق و مرتکبین را معین نموده، فوری راپورت دهید. مرتکبین کشف [شوند] و راپورت دهید تا دستور مقتضی داده شود.

۱۷/۴/۱۴[۳۸۷] فہیمی^۱

در جواب نامه فوق، حکومت مراغه پاسخی به شرح ذیل ارسال می‌دارد:

وزارت داخله
ایالت شرقی آذربایجان
حکومت مراغه
مقام منبع ایالت کبری دامت برکاته

تاریخ ۱۳۱۴/۴/۱۸
نمره ۱۶۶۱ ضمیمه ۲-
موضوع انتشار اعلان بی‌امضا

تعقیب تلگراف معروضه نمره ۹۴ رمز به عرض می‌رساند که آژان‌ها و مفتشین بلدیہ که صبح خیلی زود برای تفتیش به خیابان و کوچه‌ها می‌روند، صبح روز ۱۴/۴/۱۵ با اعلان‌هایی بر خورد نموده‌اند که بی‌امضا بوده‌اند، فوری آنها را کنده و به اداره حکومتی آورده‌اند. مراتب تحت ۱۶۱۵ و ۱۶۱۶ به اداره نظمیہ ابلاغ و عین آن هم ارسال و تأکید گردید که خیلی فوری در کشف و پیدا کردن نویسنده و نشر کننده اعلان اقدام نماید و اداره حکومتی و نظمیہ جداً مشغول تحقیق است، پس از حصول نتیجه به عرض خواهم رسانند. سواد دو فقره اعلان هم در ضمیمه از لحاظ مبارک می‌گذرد. حکومت مراغه بلوری [مهر حکومتی]

در جواب حکومت مراغه، حکومت ایالت می‌نویسد:

به نظمیہ ایالتی و حکومت مراغه بنویسید با هر وسیله ممکن است باید این قضیہ تعقیب و کشف شود. هیچ گونه مسامحه و ملاحظه مورد ندارد. خط اعلان‌ها را حفظ نمایند که بتوان در کشف مطلب موفق شد. راپورت محرمانه به وزارت داخله شود.^۲

در جہ باورمندی مردم به مبانی اسلامی و پابندی به نجابت و شرافت ملی و حفظ سنت‌های اجتماعی در مراغه آن چنان شدید بود که پیشرفت اجرای این امر را غیر ممکن می‌کرد. در عین حال فشار مأمورین دولتی نیز روزافزون بود. همه رؤسای صنوف در بازار

۱. «کشف حجاب در آذربایجان»، همان.

۲. همان، ص ۱۵۶.

مجبور بودند که اعضای صنف خود را به مراسمی در منزل خود و یا مکان مناسبی دعوت کرده و آنها مجبور بودند که با همسران خود در آن مراسم شرکت کرده و در آنجا کشف حجاب نمایند و از آن مراسم بدون حجاب خارج شوند. زور و اجبار مأمورین شهربانی و ارتشی در اجرای این امر سبب می‌شد که خانم‌های بازاریان با استفاده از لباس‌های بلند و دستکش و جوراب‌های ضخیم در ملأعام ظاهر شوند. پاسبان‌ها هم در مراکز پرجمعیت شهر همچون میدان خان حمامی (خواجه نصیر)، جلو مسجد جامع، جلو حمام‌ها و اماکن عمومی مستقر بودند و رفت و آمد زنان چادری را کنترل می‌کردند.

مرحوم حاج علی صادقین، یکی از چهره‌های مذهبی و متشخص مراغه از شاهدان عینی کشف حجاب در آنجا بود که اظهار می‌داشت:

برادرم به درس مرحوم مدرس که همچنین سر دفتر اسناد رسمی شماره ۱ بود می‌رفت. در یکی از روزها دیدیم که برادرم با حالت گریه در حالی که عیایش پاره شده بود به خانه برگشت. فهمیدیم که پاسبانی که به صمد آژان معروف بود عیای او و دوستش مرحوم آقای افتخارزاده را گرفته و پاره کرده است.

مرحوم صادقین در خاطره دیگری نقل می‌کرد:

شبی به منزل عمه‌ام که در کوچه دکتر آستانی بود به همراه پدر، مادر، همسر برادرم و دختردایی پدرم که از روستای زوارق آمده بود می‌رفتیم، از پالان‌دوز بازار که پشت مسجد جامع بود داشتیم رد می‌شدیم که با صمد آژان روبه‌رو شدیم. چون پدرم همراه ما بود، به احترام وی چادرها را باز نکرد و گفت یا باید چادرها را باز کرده و کشف حجاب کنید یا باید برگردید. پدرم به ما گفت به خانه برگردیم.

و بدین ترتیب قانون کشف حجاب به شدت با دستور تاج‌بخش رئیس شهربانی وقت مراغه در حال اجرا بود.^۱

از سوی دیگر مشکلی که در ارتباط با اجرای کشف حجاب در مراغه وجود داشت مشکلات اقتصادی مردم منطقه بود. اقتصاد مراغه بر پایه اقتصاد کشاورزی استوار بود و اکثر مردم باغدار یا دارای زمین‌های زراعی بودند. فقر عمومی مردم و اوضاع اقتصادی نابهنجار باعث می‌شد که نه تنها عموم مردم بلکه خود کارمندان ادارات دولتی نیز در امر خرید مانتو، کلاه و کفش دچار مشکل شوند. قبلاً با وجود چادر، پوشش‌های دیگر بانوان زیر چادر مخفی

۱. مصاحبه شفاهی با مرحوم حاج علی صادقین.





می ماند ولی با اجبار کشف حجاب، دیگر استفاده از لباس های مستعمل در مجامع عمومی برای خانم ها امکان پذیر نبود.

با توجه به دستور حکومت مراغه مبنی بر حضور مأمورین در جلوی حمام ها که محل رفت و آمد مداوم خانم ها بود، به وسیله شهرداری مراغه از حمام ها التزام گرفته شد که هیچ زنی را بدون کلاه به حمام راه ندهند و در صورتی که زنی با چارقد به حمام رفت نام او و شوهرش را به حکومت گزارش دهند و حتی از لحاظ اینکه مبدا حمامی ها در اجرای قانون مسامحه کنند، مأمورینی به طور محرمانه گماشته شد که وضعیت حمام ها و مراقبت حمامی ها را گزارش کنند.

البته در مواردی که حمام ها در داخل کوچه یا مناطق خلوت شهر یا مثل حمام حسینیه حاجی غفار در داخل حسینیه قرار داشت، اهالی منزل یا همسایگان داخل کوچه و نزدیک حسینیه می توانستند دور از چشم مأمورین شهر بانی و بدون مزاحمت آنها به حمام مراجعه کنند ولی غالباً وضعیت در سایر نقاط شهر بدین منوال نبود. به همین دلیل حمام هایی در منازل ساخته شد تا خانم ها جهت حفظ بهداشت از حمام های خانگی بهره گیرند یا خانواده هایی که استطاعت ساخت حمام خانگی را نداشتند از مطبخ های موجود در خانه ها که غالباً دارای تنوری جهت پخت نان بود، برای استحمام استفاده می کردند.

ادامه روند مبارزه با کشف حجاب همچنان در مراغه ادامه داشت. در نامه ای که توسط آقای فرخ بایوردی رئیس پست و تلگراف و تلفن وقت مراغه به وزارت متبوعه اش ارسال شده، به عدم حضور خانم های اکثر رؤسای ادارات و انجمن شهر مراغه در جشن ها و مراسم ها اشاره شده است. متن دقیق نامه به شرح ذیل است:

وزارت پست و تلگراف و تلفن، رونوشت گزارش رسیده از مراغه

۱۶/۱۲/۲۵

تهران - وزارت:

در جشن هایی که دعوت به اتفاق خانم هاست، غیر از معدودی از رؤسای ادارات، از اهالی حاضر نمی شوند، متمرکب هم هیچ گونه تویخ نمی شوند. چنانچه در اوایل هم عده ای در مجالس می آمدند حالا رودروایستی نموده از حضور خودداری دارند. حتی اعضای انجمن شهرداری در دعوت دیگران سهل است، در جشن خودداری حاضر نمی شوند.^۱

فرخ بایوردی

۱. «کشف حجاب در آذربایجان»، همان.

با استمرار مقاومت مردم در برابر کشف حجاب، مستوفی استاندار وقت استان چهار، دلیل عدم اجرای قانون را بی کفایتی و سهل انگاری رئیس شهربانی وقت مراغه می داند و خواستار برکناری وی می گردد.

متن نامه وزارت داخله به شرح ذیل است:

ریاست اداره کل شهربانی

از قرار گزارش استاندار ۴ کشف حجاب در مراغه عملی نشده و این عدم پیشرفت را بر اثر بی کفایتی و یا عدم توجه رئیس شهربانی آنجا می داند و تقاضای تغییر او را نموده است. حسب الامر مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ابلاغ می نماید، اگر همین طور است که اظهار شده، رئیس شهربانی مزبور را تغییر بدهید، نتیجه اقدامات را هم گزارش بدهید که به عرض پیشگاه مبارک برسد.^۱

برای رسیدگی به این امر، از سوی سرهنگ مختار ریاست کل شهربانی وقت، یاور حسام وزیر پایه وور شهربانی تبریز مأمور رسیدگی به این امر می شود. وزیری در گزارش خود به سرهنگ مختار، مسئله بی کفایتی رئیس شهربانی مراغه وارد کرده و دلیل عدم اجرای کشف حجاب را خارج نشدن بانوان مراغه ای از منزل عنوان می کند. متن نامه مختار به دفتر مخصوص شاهنشاهی به شرح ذیل است:

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

عطف به ابلاغیه مطاع مبارک شماره ۳۱۵-۱۶/۲/۱۷ راجع به گزارش استاندار ۴ در موضوع عملی نشدن کشف حجاب در مراغه که اوامر مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شرف صدور یافته است. «هرگاه رئیس شهربانی آنجا غفلت کرده است تغییر داده شود»: یاور حسام وزیر پایه وور شهربانی تبریز برای بازجویی به مراغه اعزام، طبق گزارش شهربانی تبریز به طوری که بازجویی شده، رئیس شهربانی مراغه در مورد کشف حجاب غفلی نکرده است، زنهایی که در معابر دیده می شوند بی حجاب هستند ولی عده ای از بانوان از منزل خارج نمی شوند. متمنی است مراتب را از شرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه گذرانده و اوامر مطاع مبارک را ابلاغ فرمایند.^۲

۱. همان، ص ۱۵۶.

۲. همان.





رئیس اداره شهربانی - سرهنگ مختار

امضاء

مخالفت‌های روزافزون مردم مراغه با کشف حجاب سبب می‌شود که مستوفی استاندار استان چهارم از ارومیه جهت رسیدگی به این امر به مراغه آمده و خود به صراحت در نامه‌ای که به دفتر مخصوص شاهنشاهی می‌نویسد نسبت به عملی نشدن کشف حجاب در مراغه اشاره کند و باز به استناد درخواست فرماندار خواهان برکناری رئیس شهربانی می‌شود. متن نامه به شرح ذیل است:

از رضائیه به دفتر مخصوص شاهنشاهی

از مراغه گزارش می‌دهند کشف حجاب به هیچ وجه در آن شهر عملی نشده است؛ بنده هم که آنجا رفتم همین طور دیده شد. تغییر شهربانی آنجا را فرماندار مراغه برای پیشرفت [کشف] حجاب لازم دانسته است.^۱

۱۱۸ مستوفی

فرمانداری مراغه عدم اجرای کشف حجاب را به دلیل کمبود تعداد پاسبان می‌داند و درخواستی به شرح ذیل را به استانداری ارسال می‌کند:

عده پاسبان مراغه خیلی کم است، مجبوریم [در] مدارس و معابر عمومی پست گذارده، مراقب زن‌ها باشیم.^۲

عبدالله مستوفی استاندار وقت عیناً درخواست فرمانداری مراغه را به وزارت داخله در دوم بهمن ماه ۱۳۱۷ اعلام می‌کند و در ادامه نامه می‌نویسد:

اگر مقدور باشد امر فرمایند اقلاً ده پاسبان کمک بدهند که جداً موضوع تعقیب و عملی شود، والا با کمی پاسبان، انجام کار مشکل خواهد بود. بنده در مدت توقف در مراغه آنچه توانسته‌ام جدیت کرده‌ام، به عقیده بنده گزارش صحیح نوشته است زیرا عده پاسبان مراغه به قدری نیست که در همه جا پست گذاشته و مراقبت شود و مردم هم از این کار سوءاستفاده نکنند.^۳

عبدالله مستوفی

چنانچه از نامه بالا استنباط می‌شود عبدالله مستوفی استاندار وقت، به ناتوانی خود در زمینه کشف حجاب در زمان تصدی پست فرمانداری مراغه اعتراف کرده است.

۱. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸، ص ۴۰۴.

۲. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (به کوشش)، واقعه کشف حجاب، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸.

۳. همان.

آنچه از ملاحظه اسناد بعدی استنباط می‌شود، به رغم درخواست‌های مکرر مستوفی استاندار وقت، باز رئیس شهربانی مراغه تعویض نمی‌شود و در مسئولیت خود باقی می‌ماند. مستوفی مجدداً در نامه‌ای به تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۱۷ از عدم اجرا و پیشرفت کشف حجاب در مراغه شکایت کرده و تقصیر را مجدداً متوجه رئیس شهربانی کرده و وی را فردی تریاکی و نالایق معرفی می‌کند و مجدداً خواستار تغییر وی می‌شود. متن درخواست به شرح ذیل است:

وزارت کشور به تلگراف ۱۷/۱/۵۲۱، عین تلگراف رمز فرماندار مراغه درج می‌شود تا رئیس نظمیۀ فعلی مراغه - که معتاد به تریاک و نالایق است. در شهر مراغه برای تعقیب کشف حجاب کاملاً عملی نخواهد شد. بنده آنچه مقدور بود شخصاً اقدام کرده‌ام. رئیس نظمیۀ مراغه باید شخص جدی و جوان باشد که سوار در محلات شهر گردش و در پیشرفت کلیه امور اقدام کند. عده پاسبان هم کم است، توجه مخصوص فرمائید.

۵۵۶ عبدالله مستوفی^۱

در نهایت، وزارت کشور به منظور اجرای کشف حجاب در مراغه با پیشنهاد استاندار مبنی بر به کارگیری اضافی ده پاسبان در مراغه موافقت می‌کند. در قسمتی از دستور وزارت کشور به اداره کل شهربانی در تاریخ هفدهم بهمن ماه ۱۳۱۷ چنین آمده است:

در شهرستان مراغه نظر به اینکه مجبورند در مدارس و معابر عمومی پست گذارده و مراقب زن‌ها باشند درخواست نموده‌اند که اقلاً ده پاسبان کمک بدهند که جداً موضوع تعقیب و رفع حجاب عملی گردد و الا با کمی پاسبان کار مشکل است. لذا قدغن فرمایند نسبت به پیشنهاد استانداری اقدام مقتضی به عمل آمده و از نتیجه وزارت کشور را نیز آگاه نمایند.^۲

نتیجه

با تمام تمهیدات و اقداماتی که توسط حکومت مراغه و مأمورین نظامی از آغاز دستور کشف حجاب تا استعفای رضاخان به عمل آمد. کاملاً بدیهی است که به دلیل ریشه‌دار بودن تفکرات دینی و اعتقادات شدید مذهبی در بین مردم مراغه و عرف و سنن ملی، سیاست‌های ضد مذهبی رضاشاه از جمله کشف حجاب هیچ وقت در مراغه به طور موفقیت‌آمیز به اجرا

۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند ش ۱۲۱۵-۱۷/۱۱/۲۲.

۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند ش ۳۸۸۴-۱۷/۱۱/۱۷.



در نیامد.

حضور علمای بزرگی همچون حضرت آیت‌الله حاج میرحبیب آقای مجتهد مراغه‌ای، آیت‌الله سید کمال‌الدین علوی، آیت‌الله آقا محمدحسین چکانی، شیخ عبدالحسین مجتهد قره‌چپوقی و... بی‌شک نقش بسیار مهمی در مخالفت عامه مردم با این اقدام غیر اسلامی داشت. از سوی دیگر نقش حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی همچون حاجی غفار، امین حضرت، حاجی میری و... که با وجود سیاست‌های خشن رضاشاه در محدود کردن فعالیت‌های مذهبی آنها، به حیات خود ادامه می‌دادند، در آگاه‌سازی مردم نسبت به مخالفت با این امر بسیار حیاتی و مهم بود. سرانجام با استعفای رضاشاه و پایان نسبی دیکتاتوری، کم‌کم قانون اجبار کشف حجاب در مراغه مثل سایر شهرها برچیده شد و بانوان مراغه‌ای توانستند دوباره با حجاب در مدارس و اماکن عمومی حضور یافته و در فعالیت‌های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی مطابق با شئون و ارزش‌های دین مبین اسلام شرکت کنند.

